

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۵ دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۳۱

رباعیات

- ۱۵ -

گر گوهر طاعتت نسفتم هرگز
ور گرد گناه ز رخ نرفتم هرگز
نومید نیم، ز بارگاه کرمت
زیرا، که یکی را دو نگفتم هرگز

ای در دل من مهر تو بیرون ز قیاس
وز شوق رخت جان و دلم پروسواس
نیک است به روز شنبه چاردهم
تجدید سفر به شرق و تجدید لباس

ای مانده به زندان سکندر، محبوس
وی گشته ز عیش و کامرانی مأیوس
وز عمر شمردن تو در یزد، دریغ
وز ماندنت به سوی شیراز افسوس

ای پایه قدر تو چو افلاک، رفیع
پیش کف راد تو خجل بحر وسیع
بر هرگل و خار می شوی قطره فشان
آری عام است، بخشش بحر رفیع

^۱ "بحر رفیع" کنایه از "آسمان" است